

# ترور در بهارستان

پژوهشی نو دربارهٔ اندیشه، زندگی و ترور واعظ قزوینی  
و روزنامهٔ نصیحت  
به انضمام اشعار او

پژوهش و تألیف:

مهدی نورمحمدی

## فهرست مطالب

۹	.....مقدمه
۱۷	.....فصل ۱- زندگی و ترور واعظ
۱۹	.....زندگی واعظ قزوینی در یک نگاه
۲۱	.....سالشمار وقایع تاریخی؛ از تولد تا کشته شدن واعظ
۲۹	.....زندگی‌نامه واعظ
۳۸	.....آخرین دقایق زندگی واعظ به روایت میرزا حسین خیاط
۴۸	.....معمای قتل واعظ
۴۸	.....روایات معتقدین فرضیه اول
۴۹	.....روزنامه حبل‌المتین
۵۰	.....عین‌السلطنه
۵۲	.....ملّا عباس کیوان قزوینی
۵۶	.....ملک‌الشعراى بهار
۹۰	.....حسین مکی
۹۴	.....عبدالله مستوفی
۹۵	.....بهاء‌الدین بازارگاد
۱۰۲	.....چکیده فرضیه اول
۱۰۴	.....نقد فرضیه اول
۱۰۹	.....نوشته‌های معتقدین فرضیه دوم
۱۱۰	.....عارف قزوینی
۱۱۳	.....مجله ستاره سرخ
۱۱۸	.....یحیی دولت‌آبادی
۱۲۲	.....ابوالقاسم مجابی؟
۱۲۹	.....سید محمدعلی گلریز
۱۳۲	.....سید ضیاء‌الدین الموتی

اردشیر آوانسیان..... ۱۳۵

عبدالصمد کامبخش..... ۱۳۷

علی اکبر قاضی زاده..... ۱۴۰

چکیده فرضیه دوم..... ۱۴۸

بحثی تفصیلی..... ۱۴۸

نوشتن مقالات تند و انتقادی علیه نظامیان..... ۱۴۹

نوشتن مقالات تند و انتقادی علیه فتودالیسم..... ۱۵۰

نوشتن مقالات تند و انتقادی علیه سیاست انگلیس در ایران..... ۱۵۳

نوشتن مقالات تند و انتقادی علیه خرافات و روحانیت قشری..... ۱۵۴

تلگراف تشکر برخی از روحانیون قزوین به مقامات مملکتی..... ۱۵۸

نامه تشکر شیخ‌العراقین به فاطمی وزیر معارف..... ۱۵۹

پاسخ وزیر معارف به نامه تشکر شیخ‌العراقین..... ۱۶۰

عضویت در حزب کمونیست و ترویج آن از طریق روزنامه نصیحت و خطابه و منبر..... ۱۶۶

پاسخ به یک پرسش..... ۱۶۷

نوشتن مقالات انتقادی علیه سیاست‌های رضا خان و مخالفت با سلطنت او..... ۱۶۸

مقاله آثار فنا - علائم مرگ [۱]..... ۱۷۷

مقاله آثار فنا - علائم مرگ [۲]..... ۱۷۹

مقاله انتخابات ششم، صف‌آرایی ارتجاع..... ۱۸۱

توقیف نصیحت به دستور مستقیم رضا خان..... ۱۸۳

پرسش رئیس دفتر رضا خان از وزیر معارف درباره علت توقیف روزنامه نصیحت..... ۱۸۴

پاسخ وزیر معارف به نامه رئیس دفتر رضا خان..... ۱۸۴

سندی دیگر در اثبات توقیف نصیحت به خاطر انتقاد از سیاست‌های رضا خان..... ۱۸۵

رابطه علت توقیف روزنامه نصیحت با قتل واعظ..... ۱۸۵

اطلاعات اسماعیل کیوانی..... ۱۸۶

جمع بندی و نتیجه‌گیری نهایی..... ۱۹۰

چند سند دیگر درباره توقیف روزنامه نصیحت..... ۱۹۲

دستور وزیر فرهنگ به معاون خود در خصوص توقیف روزنامه نصیحت..... ۱۹۲

دستور معاون وزیر فرهنگ به رئیس اداره معارف قزوین درباره توقیف روزنامه نصیحت..... ۱۹۲

نامه رئیس اداره معارف قزوین به وزیر معارف، پس از توقیف روزنامه نصیحت..... ۱۹۲

برگزاری مجلس سالگرد واعظ در قزوین..... ۱۹۳

بازماندگان واعظ..... ۱۹۳

فصل ۲ - سیری در روزنامه نصیحت..... ۲۰۱

مشخصات روزنامه نصیحت..... ۲۰۳

مشخصات سال اول..... ۲۰۳

مشخصات سال دوم..... ۲۰۷

قیمت روزنامه نصیحت..... ۲۰۹

قطع روزنامه نصیحت..... ۲۰۹

مکان روزنامه نصیحت..... ۲۰۹

شعار روزنامه نصیحت..... ۲۱۰

مندرجات روزنامه نصیحت..... ۲۱۰

پاورقی‌های روزنامه نصیحت..... ۲۱۱

پاورقی میرزا حسین خیاط..... ۲۱۱

پاورقی حاج شیخ اسدالله ممقانی..... ۲۱۲

نوشته‌های اقتصادی مارکس..... ۲۱۴

نمونه‌ای از واردات اداری به نصیحت..... ۲۱۴

نمونه‌هایی از اخبار شهری در نصیحت..... ۲۱۶

انفصال عباسقلی خان امیرتومان از حکومت قزوین..... ۲۱۶

ورود فرخی یزدی به تهران..... ۲۱۹

ورود شیخ ابراهیم زنجانی به قزوین..... ۲۱۹

مجلس روضه اصناف به مناسبت ایام محرم..... ۲۲۱

اظهار نگرانی طبقات مختلف قزوین..... ۲۲۱

تلگراف رضا خان به علمای قزوین..... ۲۲۱

ورود سید حسن تقی‌زاده به قزوین..... ۲۲۲

ورود فرخی یزدی به قزوین به قصد رفتن به اروپا..... ۲۲۲

انصراف فرخی یزدی از رفتن به اروپا..... ۲۲۲

ورود ملا عباس کیوان قزوینی از اصفهان به قزوین..... ۲۲۲

اظهار نظر سید حسن مدرس درباره نمایندگان قزوین..... ۲۲۳

تلگراف سلیمان میرزا به واعظ درباره فوت مساوات و نوشته واعظ..... ۲۲۳

برگزاری مجلس ترحیم برای مساوات و نطق واعظ..... ۲۲۴

انتخاب علامه قزوینی به سمت نمایندگی ایران..... ۲۲۵

تصحیح پیشوند نام علامه قزوینی..... ۲۲۵

ورود سید حسن مدرس و خروج او از قزوین..... ۲۲۵



نمونه‌هایی از اخبار معارف در نصیحت ..... ۲۲۶

امتحانات مدارس قزوین و نوشته‌ی واعظ در این خصوص ..... ۲۲۶

تلگراف هیئت نظارت بر معارف قزوین به رضا خان و خواستن کمک مالی ..... ۲۲۶

تلگراف رضا خان به هیئت نظارت بر معارف قزوین ..... ۲۲۷

اعلان مدیر مدرسه‌ی فرهنگ درباره‌ی ثبت نام و پذیرش شاگرد در سال جدید ..... ۲۲۷

برگزاری مجلس جشن به مناسبت تأسیس مدرسه‌ی پهلوی ..... ۲۲۷

برگزاری مجلس جشن به مناسبت پایان سال تحصیلی مدارس قزوین ..... ۲۲۹

استعفای سید مجتبی بزّاز از عضویت در هیئت نظارت بر معارف قزوین ..... ۲۲۹

سه نمونه اعلان چاپ شده در نصیحت ..... ۲۳۱

اعلان تعطیلی یک هفته‌ای نصیحت به مناسبت ایام محرم ..... ۲۳۱

اعلان سردسته‌های قمه‌زن و نوشته‌ی واعظ در این خصوص ..... ۲۳۱

برگزاری مجلس جشن در کنسولگری روس در قزوین ..... ۲۳۲

ثبت احوال در نصیحت ..... ۲۳۲

اسناد ثبت احوال در نصیحت ..... ۲۳۳

اعلان انتخاب نام خانوادگی فرهودی، کامبخش، صالحی و وکوی ..... ۲۳۳

اعلان انتخاب نام خانوادگی یزدانی، مرزبان و افضل ..... ۲۳۴

اعلان انتخاب نام خانوادگی خلعتبری، خراسانی، سیاقی و منشی‌زاده ..... ۲۳۵

هشدار نصیحت به کسانی که نام خانوادگی برای خود انتخاب نکرده بودند ..... ۲۳۶

اعلان انتخاب نام خانوادگی نایبی، عزیزی، مافی و هوشمند ..... ۲۳۶

اعلان انتخاب نام خانوادگی کیوانی از سوی واعظ ..... ۲۳۷

اعلان انتخاب نام خانوادگی وارسته، بیابانی، نوید و نبوی ..... ۲۳۷

اعلان انتخاب نام خانوادگی مایل و سعیدی ..... ۲۳۸

مقاله‌ی واعظ درباره‌ی تشویق مردم برای انتخاب نام خانوادگی ..... ۲۳۸

اعلان انتخاب نام خانوادگی کارآگاه ..... ۲۳۹

اعلان مأمور سجل احوال و نوشته‌ی واعظ در این خصوص ..... ۲۴۰

اعلان انتخاب نام خانوادگی گلریز ..... ۲۴۰

انجمن‌ها و مجامع در نصیحت ..... ۲۴۱

کلوپ ادبی لاله‌زار ..... ۲۴۱

انجمن پرورش ..... ۲۴۱

اجرای نمایش‌های تاریخی و اخلاقی ..... ۲۴۲

تأسیس مدرسه‌ی دوشیزگان پرورش ..... ۲۴۳

تأسیس باشگاه فوتبال ..... ۲۴۳

انتشار روزنامه ..... ۲۴۵

نامه‌ی مرتضی فرهودی به وزیر معارف جهت دریافت مجوز نصیحت ..... ۲۴۶

گواهی نظمیه مبنی بر نداشتن سوء سابقه‌ی مرتضی فرهودی ..... ۲۴۶

گواهی دادسرای قزوین مبنی بر نداشتن سوء سابقه‌ی مرتضی فرهودی ..... ۲۴۶

ترویج کمونیزم ..... ۲۵۰

نگاهی به زندگی برخی از اعضای انجمن پرورش ..... ۲۵۵

اسناد انجمن پرورش در روزنامه‌ی نصیحت ..... ۲۷۳

اعلان تأسیس انجمن پرورش و نوشته‌ی واعظ در این خصوص ..... ۲۷۳

اعلان اجرای نمایش شرف قول در سالن لاله‌زار ..... ۲۷۴

نوشته‌ی واعظ درباره‌ی نمایش شرف قول ..... ۲۷۴

تشکر انجمن پرورش از هیئت ارامنه قزوین ..... ۲۷۴

اعلان اجرای نمایش نادر شاه افشار توسط انجمن پرورش ..... ۲۷۵

استقبال اهالی قزوین از نمایش نادر شاه ..... ۲۷۵

اعلان تشکیل باشگاه فوتبال انجمن پرورش ..... ۲۷۵

اعلان اجرای نمایش شجاع‌الدوله به نفع تأسیس مدرسه‌ی پهلوی ..... ۲۷۶

اعلان انجمن پرورش درباره‌ی تأسیس مدرسه‌ی پرورش ..... ۲۷۶

اعلان استعفای عده‌ای از اعضای انجمن پرورش ..... ۲۷۷

اعلان اجرای نمایش شجاع‌الدوله در سالن لاله‌زار ..... ۲۷۸

اعلان پذیرش رایگان دانش‌آموز در مدرسه‌ی پرورش ..... ۲۷۸

اعلان تأسیس مدرسه‌ی دوشیزگان پرورش ..... ۲۷۸

اعلان اجرای نمایش از طرف انجمن پرورش ..... ۲۷۸

اعلان اجرای نمایش دزدان ایران به نفع مؤسسات معارفی پرورش ..... ۲۷۹

جامعه‌ی کوشش - جامعه‌ی فعال ..... ۲۷۹

اتحادیه‌ی بینش ..... ۲۷۹

کلوپ فوتبال اتحاد ..... ۲۸۰

کتابخانه و قرائت‌خانه در نصیحت ..... ۲۸۱

قرائت‌خانه‌ی حمدالله مستوفی ..... ۲۸۱

اعلان افتتاح قرائت‌خانه‌ی حمدالله مستوفی ..... ۲۸۱

آگهی اجرای نمایش در سالن لاله‌زار ..... ۲۸۱

اعلان باز بودن و قابل استفاده بودن قرائت‌خانه‌ی حمدالله مستوفی برای عموم ..... ۲۸۲

قرائت‌خانه آزادی خواهان..... ۲۸۲

اعلان تشکیل قرائت‌خانه انجمن آزادی خواهان..... ۲۸۲

اعلان قابل استفاده بودن قرائت‌خانه آزادی خواهان برای عموم..... ۲۸۲

جشن افتتاح قرائت‌خانه آزادی خواهان و نطق واعظ در این مراسم..... ۲۸۳

اهدای کتاب به قرائت‌خانه آزادی خواهان توسط منتظم‌الملک..... ۲۸۳

اعلان کتابخانه آزادی خواهان درباره کرایه دادن کتاب..... ۲۸۳

قرائت‌خانه کارگران..... ۲۸۴

قرائت‌خانه رعد..... ۲۸۴

جشن تأسیس قرائت‌خانه رعد..... ۲۸۴

اعلان باز و قابل استفاده بودن قرائت‌خانه رعد برای عموم..... ۲۸۵

فرمانداران و رؤسای ادارات در نصیحت..... ۲۸۵

آئینه گذشتگان - عبرت آیندگان..... ۲۸۶

احصائیه حکام قزوین برای ثبت در تاریخ..... ۲۸۶

آئینه گذشتگان - عبرت آیندگان؛ احصائیه مأمورین مالیه قزوین..... ۲۸۹

آئینه گذشتگان - عبرت آیندگان؛ احصائیه مأمورین عدلیه از اول انقلاب ایران تا امروز..... ۲۹۲

آئینه گذشتگان - عبرت آیندگان؛ احصائیه رؤسای نظمی قزوین..... ۲۹۴

یک مطلب انتقادی به صورت سؤال و جواب به قلم واعظ..... ۲۹۷

نصیحت و میرزاده عشقی..... ۲۹۹

نصیحت و قتل ماژور ایمری..... ۳۰۲

تلگراف آزادی خواهان قزوین به مجلس..... ۳۰۵

تلگراف اصناف قزوین به رئیس‌الوزرا و روزنامه ناهید درباره قتل ایمری..... ۳۰۶

ورود جنازه ماژور ایمری به قزوین..... ۳۰۶

نصیحت و عارف قزوینی..... ۳۰۸

ورود عارف به قزوین به قصد مسافرت آذربایجان..... ۳۰۹

استقبال پرشور و باشکوه آذربایجانیان از عارف..... ۳۱۰

حمله قلمی واعظ به روزنامه ملانصرالدین به خاطر توهین به عارف..... ۳۱۰

ورود عارف به قزوین پس از هشت ماه اقامت در تبریز..... ۳۱۱

فصل ۳ - اشعار واعظ..... ۳۲۳

منابع..... ۳۵۱

فهرست اعلام..... ۳۵۵

مقدمه

حمد و ستایش بر خداوند متعال و سلام بر پیامبر گرامی اسلام و خاندان پاکش باد. میرزا یحیی کیوانی معروف به واعظ قزوینی و میرزا یحیی واعظ، از چهره‌های برجسته شعر، ادب، آموزش و پرورش، روزنامه‌نگاری و سیاست است. او از طبقات محروم جامعه برخاست و از همان ابتدای عمر با سختی‌ها و ناملایمات زندگی آشنا شد. عضویت، فعالیت و رهبری در حزب دموکرات قزوین، نخستین تجربه وی در عرصه فعالیت‌های سیاسی بود.

او که در ابتدا با حزب دموکرات در پیوند بود، تجسم آمال و آرزوهای اجتماعی خود را در گرایش به حزب اجتماعیون (سوسیالیست) دید و سرانجام به عضویت حزب کمونیست در آمد. با وجود این گرایش‌های چپ‌گرایانه، این روحانی و روحانی‌زاده آرمانگرا همچنان به تعلقات مذهبی و کسوت روحانیت پای‌بند و وفادار ماند. زندگی واعظ قزوینی از ابعاد مختلف قابل تعمق و بررسی است. واعظ به مطبوعات و معارف قزوین خدمات مهمی کرد. روش وی در روزنامه‌نگاری انتقادی و جرأت و تهور در بیان حقایق باعث شد روزنامه او بیشتر از سایر روزنامه‌ها در قزوین و حومه آن، خواننده داشته باشد. روزنامه نصیحت را باید از ارکان اربعه روزنامه‌نگاری در قزوین دانست که به نوبه خود، نقش مهمی در بیداری جامعه ایفا کرد. سه روزنامه دیگر به ترتیب تاریخ نشر عبارتند از: روزنامه هدایت، روزنامه قزوین و روزنامه رعد. واعظ قزوینی پس از جهانگیر خان صوراسرافیل (مدیر روزنامه صور اسرافیل)، سلطان‌العلمای خراسانی (مدیر روزنامه روح‌القدس) و میرزاده عشقی (مدیر روزنامه قرن بیستم)، چهارمین روزنامه‌نگاری است که جان خود را در راه بیداری و آگاهی جامعه فدا کرده است.

علاوه بر این، واعظ در عرصه معارف و تعلیم و تربیت نیز منشأ خدمات ارزشمندی در قزوین بود. تدریس و نظامت در مدرسه امید و مدیریت و تدریس در مدرسه فرهنگ، از اقدامات اساسی و مؤثر او در بسط معارف به شمار می‌رود. وی با دلسوزی و پشتکار فراوان، مدرسه فرهنگ را رونق داد و مردم را به فراگیری علوم در مدارس



جدید تشویق کرد. مدرسه فرهنگ را شادروان سید محمدعلی گلریز از ارکان اربعه فرهنگ نوین در قزوین محسوب کرده است. سه مدرسه دیگر بر حسب تاریخ تأسیس عبارتند از: مدرسه امید، مدرسه اسلامیة و مدرسه دوشیزگان.

وی نه تنها در قزوین، بلکه در حومه قزوین نیز اقدامات مهمی برای ترویج معارف انجام داد. «او در ساخت یک باب مدرسه ۴ کلاسه در روستای زوارک الموت همکاری داشت. مدیریت این مدرسه بر عهده شیخ حسین کیائی قزوینی بود.»<sup>۱</sup>

واعظ که خود برخاسته از طبقات محروم جامعه بود، همواره در رفع تبعیض در بین دانش آموزان می کوشید. نقل خاطره زیر، تأیید کننده این مدعا است. اسماعیل کیوانی برادرزاده واعظ در این خصوص می گوید: «شیخ محمدحسین کیوانی، شوهر خواهر واعظ که از معلمین مدرسه فرهنگ بود، خیلی خوب درس می داد. به همین خاطر، روزی پدر یکی از محصلین، اسکناسی را در پاکت گذاشته و به عنوان تشکر به او تقدیم می کند. شیخ محمدحسین ماجرا را برای واعظ تعریف می کند. واعظ به او می گوید این کار باعث رواج تبعیض در مدرسه می شود، پول را برگردان، من سعی می کنم حقوق تو را افزایش دهم.»<sup>۲</sup>

گسترش معارف در سراسر مملکت، اصلاح اقتصاد، رونق تجارت، کشیده شدن راه آهن سراسری در ایران و تقسیم زمین بین کشاورزان، از آرزوهای اجتماعی واعظ قزوینی بود. برای پی بردن به مرام و مسلک واعظ و آن چه که برای رسیدن به آن تلاش می کرد، به نوشته های او رجوع می کنیم. برای نمونه، وی در مقاله «تبریک عید»، آرمان های اجتماعی خود را چنین منعکس کرده است:

#### تبریک عید

«دوستان نزدیک من می دانند که چندین سال است عید ندارم و جشن نوروز را خود که می دانم بهترین یادگار ایران باستان است، به قدر سزا و شأن او احترام نکردم. البته هموطنان گرامی من هم می دانند که با این آلام روحی و علل جسمی و با این امواج

۱. قیام مسلحانه دهقانان الموت، ص ۱۶.

۲. نقل شفاهی اسماعیل کیوانی برادرزاده واعظ برای نگارنده در سال ۱۳۸۳ و او به نقل از شیخ محمدحسین کیوانی.

هموم و غموم که هر ساعت به کشتی قلب ما ریخته و در دریای فقر و ذلت و جهل و مسکنت غوطه وریم، عید و جشنی در ما مناسبت ندارد. واقعاً خیلی فکر کودکانه و نظر سطحی و مغز بی اطلاع و بی خبری می خواهد که در این زندگی پُرمرارت، عید تصور کرده و در میان خرمن خرمن اندوه و توده توده حُزن و غم جشن بگیرد.

آن عصری که پدران ما نوروز را روز نوبی زندگی می دانستند، از ناصیه آنها آثار اسارت و حقارت پیدا نبود، آنها دست فقر و پریشانی نزد بیگانگان دراز نمی کردند، آنها در کثافات اخلاقی غلت نمی زدند، آنها در ویرانه ها و خرابه ها مانند جغد منزل نمی کردند، آنها سیادت و استقلال تام داشتند، آنها خرد و شمشیر را که دو عامل مهم حیات فردی و اجتماعی هر ملت است توأمأ دارا بودند. پس ما، ما مردم نادان و فاسد، ما جماعت جبون و زبون، ما ملت بداخلاق و دروغ گو، ما هیئت دورو و منافق، بالاخره ما خال سیاه و تاریک چهره بشریت را نمی رسد دعوی همسری با آن ارواح پاک و بی آرایش کرده و خود را به آنها نسبت بدهیم.

مرا در قلب خود عهدی و نذری است که تا اعاده دوره خوشبختی ایران نشود، عید نگیرم. من انتظار انجام سه آرزوی خود را دارم. هر روز که این سه مرام خود [را] اجرا شده مشاهده کردم، آن روز را روز طلوع سعادت و بزرگترین عید می شناسم:

۱. تعمیم معارف و نجات ملت ایران از جهل عمومی.

۲. اصلاح اقتصاد و بسط تجارت و کشیده شدن خط آهن ایران.

۳. تقسیم اراضی بین برزگران و خلاصی رعایا از مظالم کمرشکن غارتگران به توسط اجرای قوانین عادلانه.

تو خواننده محترم هم انصاف خواهی داد که آمال فوق، چندان بزرگ و غیر عملی نبوده و با یک قدم مساعدتِ مصادرِ امور و یک توجه نمایندگان صالح ملت انجام می شود، ولی در آخر چون رسم و عادت جمهور امروز، توجه بر این عید ملی است، ما هم به سهم خود علاقه مندان را تبریک گفته و بقا و سعادت عموم هموطنان خود را از خدا خواهانیم.»<sup>۱</sup>

حساسیت شدید، داشتن سری پرشور، جرأت در گفتن و نوشتن حقایق، مبارزه با اوهام

۱. روزنامه نصیحت، سال اول، شماره ۴۸، ۳ شنبه ۲۱ شعبان ۱۳۴۳، ۲۷ اسفند ۱۳۰۳، ص ۱.

و خرافات، اجنبی‌ستیزی و طرفداری از حقوق رنجبران، از مشخصات بارز واعظ قزوینی بود. اگر از میان روحانیون آن دوران بخواهیم عدیلی برای وی ذکر کنیم، آن شخص کسی به جز شیخ محمد خیابانی نخواهد بود.

متأسفانه با وجود این که واعظ قزوینی در تاریخ معاصر و به خصوص جریانات سیاسی چپ نقش مهمی داشته، زندگی، اندیشه و شخصیت وی به طور جدی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار نگرفته و گرد و غبار غفلت و فراموشی چهره او را در برگرفته است. برای این امر، دو دلیل می‌توان متصور شد:

دلیل اول این است که همواره نام واعظ - به دلیل فرضیه ترور اشتباهی واعظ به جای بهار - تحت تأثیر شهرت و شخصیت ملک‌الشعراى بهار قرار داشته و برخی از مورخین به پیروی از بهار، واعظ را تنها به عنوان بلاگردان و پیشمرگ او محسوب کرده و دیگر هیچ توجهی به تفکر و فعالیت‌های سیاسی وی نداشته و حتی علل توقیف روزنامه نصیحت را نیز بررسی نکرده‌اند.

دلیل دیگر، همزمانی ترور واعظ با واقعه تغییر سلطنت است، زیرا هنوز خون واعظ بر روی سنگفرش‌های بهارستان خشک نشده بود که توپ انقراض قاجاریه شلیک و قتل او در هیاهوی ناشی از قضایای انتقال سلطنت به فراموشی سپرده شد.

با توجه به این موضوع، نگارنده بر آن شدم در خصوص زندگی واعظ کتابی تألیف کنم که حق مطلب را ادا نماید. این امر مشروط بر این بود که به دوره کامل روزنامه نصیحت دست پیدا می‌کردم. زیرا پی بردن به افکار، عقاید و زندگی واعظ بدون مطالعه کامل و دقیق شماره‌های مختلف این روزنامه، به هیچ وجه امکان‌پذیر نبود.

به همین منظور، در سال ۱۳۸۰ خورشیدی به امید دستیابی به دوره کامل روزنامه نصیحت، به کتابخانه ملی و کتابخانه مجلس مراجعه کردم اما متأسفانه نهادهای یاد شده، فقط یک یا چند شماره از این روزنامه را در اختیار داشتند.

با مشاهده این وضعیت، چنین اندیشیدم که بازماندگان واعظ، باید دوره کامل روزنامه نصیحت را در اختیار داشته باشند. با تلاش فراوان، شماره تلفن شادروان اسماعیل کیوانی (۱۳۰۶ - ۱۳۹۱ خورشیدی) برادرزاده واعظ را که مدت‌های مدیدی بود در تهران سکونت داشت، به دست آوردم و امیدوار بودم وی به خاطر داشتن نسبت نزدیک با واعظ، تمام شماره‌های این روزنامه را داشته باشد. مرحوم کیوانی که شخصی

فرهیخته و اهل فضل بود، در سال ۱۳۷۴ در شماره‌های ۵۳۴ و ۵۳۷ هفته نامه ولایت قزوین، مقالاتی درباره به واعظ به چاپ رسانده بود. اما متأسفانه آن مرحوم نه تنها روزنامه نصیحت را در اختیار نداشت، بلکه حتی شماره‌ای از آن را نیز مشاهده نکرده بود. در حالی که از یافتن روزنامه نصیحت کاملاً ناامید شده بودم، خداوند نگارنده را به مقصود رساند و موفق شدم دوره کامل این روزنامه را بدون حتی یک شماره افتادگی نزد آقای اسدالله فرخی فرزند مرحوم عبدالحسین فرخی<sup>۱</sup> پیدا کنم. در مدت کوتاهی که این مجموعه ارزشمند نزد من به امانت بود، با دقت آن را مطالعه کرده و یادداشت برمی‌داشتم. پس از بررسی کامل شماره‌های مختلف روزنامه نصیحت، به مطالب نو و مهمی درباره زندگی واعظ دست یافتم و همین امر سبب گردید به نظریه ترور اشتباهی وی به جای ملک‌الشعراى بهار به طور جدی شک کنم. بنابراین بسیار به جاست که گفته شود اگر به دوره کامل این روزنامه دسترسی پیدا نمی‌کردم، هرگز نمی‌توانستم به تألیف این کتاب توفیق یابم.

کتاب حاضر در سه فصل تنظیم شده است:

فصل اول به نام «زندگی و ترور واعظ»، شامل قسمت‌های زیر است:

زندگی واعظ در یک نگاه.

سال‌شمار زندگی واعظ.

زندگی‌نامه واعظ.

معمای قتل واعظ.

در این فصل، کوشیده‌ام اطلاعات گسترده و جدیدی از زندگی واعظ ارائه دهم که تا پیش از این، در کتاب دیگری نیامده بود. در بخش «معمای قتل واعظ»، روایت‌های گوناگون مربوط به ترور واعظ را نقل کرده و با توجه به شواهد و قرائن موجود، چنین نتیجه گرفته‌ام که قتل واعظ نه به خاطر شباهت با ملک‌الشعراى بهار، بلکه به دلیل

۱. عبدالحسین فرخی از دوستان نزدیک واعظ و از اعضای انجمن پرورش بود. او در جوانی مسلک سوسیالیزم داشت، اما در سال‌های میانی و پایانی عمر به عرفان و تصوف گرایش پیدا کرد و از ارادتمندان سید حسین لامع قزوینی و محبوبعلیشاه مراغه‌ای شد. عبدالحسین فرخی در سال‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ خورشیدی، روزنامه‌های «دخو» و «کیوان» را در قزوین منتشر می‌کرد. وی در سال ۱۳۳۷ خورشیدی درگذشت.